

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: قورح ۵۷۸۰

چه نوع جدلی را نباید انجام داد

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Korach 5780

How Not to Argue

زمین دهان گشود و قورح [قارون] را در خود فروکشید، اما روح او هنوز در جاهایی که اصلا انتظار نمی رود، زنده و فعال است: در دانشگاه های آمریکا و بریتانیا.

قورح تجسم چیزی است که حکیمان تلمودی جدل نه به سود آسمان ها نامیدند. آنها جدل قورح را در تقابل با جدل میان دو مکتب هیلل و شمای که جدل به سود آسمان ها بود، این گونه نامیدند.¹ تفاوت میان آنها از دید بارتنورا در این است که جدل به سود آسمان ها، جدل

¹ Mishnah Avot 5:17.

برای دستیابی به حقیقت است. جدلی که به سود آسمان‌ها نیست، برای رسیدن به پیروزی و قدرت است و این دو با هم بسیار فرق دارند.

قورح و پیروانش از سه گروه متفاوت می‌آمدند. قورح از قبیله لوی بود. داتان و اویرام از قبیله رثون. ۲۵۰ تن از رهبران قبایل مختلف نیز بودند. هر یک نارضایتی خاص خود را داشتند.² این ۲۵۰ تن از مشایخ از اینکه پس از رویداد گوساله طلایی، نقش‌های رهبری از آنها دریغ شده و به قبیله لوی داده شده بود، ناراضی بودند. داتان و اویرام ناراضی بودند که قبیله‌های آنها که اخاف اولزاد یعقوب بودند، هیچ مقامی نگرفته بودند. پاسخ موسی به قورح – "اینک می‌خواهی کههانت را نیز از آن خود سازی... اهرون کیست که باید علیه او بشوری؟" – روشن می‌سازد که قورح می‌خواست کوهن و شاید کوهن‌گادول [کوهن اعظم] بشود و جای اهرون را بگیرد. این سه گروه هیچ وجه مشترکی نداشتند جز اینکه می‌خواستند رهبری را به دست بگیرند و در پی کسب مقامی بالاتر و مهمتر بودند. در یک کلام، آنها جویای قدرت بودند. این جدلی نبود که به سود آسمان‌ها باشد. متن، تصویری روشن به دست می‌دهد که شورشیان چه برداشتی از رهبری داشتند. شکایت آنها علیه موسی و اهرون این بود: "چرا شما خود را در راس جماعت خدا قرار می‌دهید؟" سپس داتان و اویرام به موسی گفتند: "و اینک می‌خواهید بر ما خدایی کنید!"

یک قانون کلی هست: اگر می‌خواهی به علت نفرت آدم‌ها پی‌بری، گوش بده که آنها دیگران را به چه چیزی متهم می‌کنند تا بفهمی خودشان دنبال چه چیزی هستند. پس برای نمونه می‌توان گفت که قرن‌ها امپراتوری‌های گوناگون، یهودیان را متهم می‌کردند که می‌خواهند به دنیا حکومت کنند. یهودیان هرگز نخواستند به دنیا حکومت کنند. آنها برخلاف

² This is a composite of the views of Ibn Ezra and Ramban.

هر تمدن دیرپای دیگری هرگز در پی تشکیل یک امپراتوری نبودند و چنین نکردند. اما کسانی که چنین اتهام هایی به یهودیان می زدند به امپراتوری هایی تعلق داشتند که آغاز به فروپاشی کرده بودند. آنها خواهان حکومت بر دنیا بودند، اما می دانستند که نمی توانند، پس امیال خود را به یهودیان نسبت می دادند (فرایندی روانشناختی که فرافکنی نام دارد و مهمترین پدیده در شناخت یهودی ستیزی است).³ اسطوره های یهودی ستیزی را این گونه پدید آوردند. نمونه کلاسیک آن متن جعلی پروتکل پیران صیون بود که مسئولان تبلیغات روسیه تزاری چند دهه پیش از سقوط خود نوشتند.

آنچه خود شورشیان می خواستند به موسی و اهرن نسبت داده شد: شکلی از رهبری که برای تورات بیگانه بود و با ارزشی که موسی نمایندگی می کرد، یعنی خاکساری و فروتنی، تضاد بنیادی داشت. آنها می خواستند خود را "فراتر" از جماعت خدا قرار دهند و بر آنها "خدایی کنند". آنها خواهان قدرت بودند.

چه کار می کنید وقتی نه دنبال حقیقت، بلکه از پی قدرت هستید؟ شما نه به پیام، بلکه به پیام دهنده حمله می کنید. می کوشید موقعیت و اعتبار کسانی را که با آنها مخالف هستید، از بین ببرید. کوشش در بیصدا ساختن مخالفان خود می کنید. این کاری است که قورح و پیروان شورشی اش سعی در انجام آن داشتند.

آنها همین رفتار را داشتند وقتی به وضوح موسی را متهم کردند که خود را وراثت جماعت قرار می دهد و رهبری خود را به خدایی کردن تبدیل می کند. آنها ادعاهای دیگر هم داشتند که از پاسخ موسی می توانیم بفهمیم. موسی گفت: "من حتی الاغی هم از آنها نستانده ام و فریشتان نداده ام"، یعنی آنها به او تهمت زده بودند که از مقام خود برای منافع شخصی سوء استفاده کرده و مال مردم را گرفته است. موسی گفت: "این گونه خواهید دانست که خداوند مرا برای

³ See Vamik Volkan, *The Need to have Enemies and Allies* (1988).

انجام این امور فرستاده و این فکر من نبوده است"، یعنی می فهمیم آنها به او تهمت زده بودند که برخی قاعده ها و دستورها داده و آنها را به خدا نسبت داده که درواقع، فکرهای خودش بوده اند.

نارواترین تهمت آن است که داتان و اویرام مطرح می کنند: "آیا کافی نیست که ما را از سرزمین شیر و عسل بیرون آوردی تا در بیابان ما را بکشی؟" این سخنان، پیشدرآمد برخی مفاهیم دنیای امروز ما هستند: خبرهای کاذب، داده های جایگزین و پسا حقیقت. اینها دروغ های آشکار هستند، ولی آنان می دانستند اگر آنها را چندین بار در زمان مناسب به زبان بیاورند، کسی آنها را باور خواهد کرد.

کوچکترین تلاشی برای حل امور واقعی انجام نشد: ساختار رهبری که قطع رابطه میان لوی ها، افراد قبیله رثوون و دیگر روسای قبایل را سبب شده بود؛ نسلی که همه امید خود را برای رسیدن به سرزمین موعود از دست داده بود؛ و مشکلات دیگر مردم. اینها مسایل واقعی بودند، اما شورشیان به حقیقت علاقه ای نداشتند. آنها خواستار قدرت بودند. هدف آنها چنان که از متن برداشت می کنیم، حذف موسی، مخدوش ساختن اعتبار او، برانگیختن شک در میان مردم که آیا موسی به راستی دستورها را از خدا می گرفت و وارد ساختن چنان آسیبی به شخصیت او بود که دیگر نتواند رهبری کند و یا دستکم ناچار به اجرای خواسته های شورشیان بشود. وقتی شما به خاطر قدرت دعوا می کنید، حقیقت به کار شما هیچ راهی ندارد.

جدلی که به سود آسمان ها نیست در زمان ما به شکل فرهنگ "اخراج کن" یا "افشا کن" دوباره چهره نموده و شبکه های اجتماعی را به کار می گیرد تا افرادی را که خطایی کرده اند - گاهی خطایی واقعی چون آزار جنسی و گاهی فقط برای رفتار خلاف اخلاق روز - از چهره انسانی تهی کنند. آنچه به ویژه آزاردهنده است و روز به روز گسترش می یابد، محروم

کردن کسانی از موقعیت های دانشگاهی است که دیدگاه های آنها برای برخی گروه ها (اغلب اقلیت ها) ناخوشایند است.

در ماه مارچ ۲۰۲۰ درست پیش از تعطیلی دانشگاه ها به دلیل ویروس کرونا، فستیوال بین المللی زنان آکسفورد، از حضور استاد دانشگاه آکسفورد، پروفیسور سلینا تاد که قرار بود آنجا سخنرانی کند، جلوگیری کرد. او که یکی از محققان تراز اول مطالعات زنان است متهم به "مخالفت با تغییر جنسیت دادگان" شد که البته خود او آنرا رد می کرد. در همان حدود زمانی، انجمن زنان آکسفورد انگلستان، سخنرانی امبر راد را یک ساعت پیش از برنامه لغو کرد.

در سال ۲۰۱۹ مدرسه الهیات دانشگاه کمبریج پیشنهاد استادی میهمان به پروفیسور روانشناس کانادایی، جردن پیترسون، را لغو کرد. اتحادیه دانشجویان کمبریج چنین نظردادند: "آثار و دیدگاه های او نماینده جمع دانشجویان نیست، از این رو حضور او را نه مشارکتی مفید در این دانشگاه، بلکه خلاف آن ارزیابی می کنیم." به بیان دیگر، می گفتند از حرف هایی که او برای گفتن دارد، خوشمان نمی آید. هر سه این نمونه ها و موارد دیگر از این دست، شرم آور و خیانتی هستند به مبانی دانشگاهی.

اینها نمونه های معاصر جدل هایی هستند که به سود آسمان انجام نمی شوند. آنها جستجوی حقیقت را رها می کنند تا به قدرت و پیروزی برسند. این جدل ها یک فرد را بی اعتبار، بی صدا و "ملغی" می کنند. دانشگاه، مکان جدل به سود آسمان ها است یا باید باشد. جایی است که می رویم تا در جستجوی دستجمعی حقیقت شرکت کنیم، به دیدگاه های مخالف خود گوش بدهیم، دفاع از دیدگاه های خود را بیاموزیم، فهم ما ژرفتر شود و از نظر فکری رشد کنیم، و بیاموزیم که پاسداری از حقیقت چگونه است. جستجوی قدرت، مکان های خاص خود را دارد، اما نه در جایی که خانه شناخت و علم است.

از این رو است که حکیمان، قورح و همدستان شورشی او را با مکتب های هیلل و شمای مقایسه کرده اند:

به مدت سه سال جدال میان مکتب های شمای و هیلل جریان داشت. مکتب شمای ادعا می کرد که "قانون با دیدگاه ما درست فهمیده می شود" و مکتب هیلل می گفت که "قانون با دیدگاه ما درست فهمیده می شود". سپس ندایی از آسمان (بت قول) اعلام کرد "هر دو سخنان خدای زنده هستند، اما قانون، مطابق مکتب هیلل تفسیر می شود".

اگر "اینها و آنها سخنان خدای زنده هستند" پس چرا از تفسیر مکتب هیلل از قانون پیروی شد؟ زیرا تفسیرهای مکتب هیلل همراه با رحمت و تعادل بود. آنها هم تفسیرهای خود را می آموختند و هم تفسیرهای مکتب شمای را و چندان فروتن بودند که آموزه های مکتب شمای را پیش از آموزه های خود بیان می کردند.⁴

این تصویری زیبا از ایده آل تلمودی است: ما از راه گوش دادن به دیدگاه های مخالفان خود حتی پیش از بیان دیدگاه های خود، می آموزیم. **من باور دارم که آنچه دارد در دانشگاه ها اتفاق می افتد، تبدیل خواست حقیقت به خواست قدرت، اهریمنی جلوه دادن و اخراج آنهایی است که مردم با نظرشان مخالف هستند.** این همان پدیده قورح در زمان ما است و به واقع بسیار خطرناک می باشد. یک شعار لاتینی قدیمی می گوید که برای تضمین عدالت *audi alteram partem* یعنی "به سخنان طرف مقابل گوش بده". از راه شنیدن طرف دیگر ماجرا است که ما در راه حقیقت گام برمی داریم.

شبات شالوم

⁴ Babylonian Talmud: Eruvin 13b.



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است ● دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Shirin D. Daghighian Persian Translation by